

نوسان در بهای دلار:

از فرهاد جولای مقدم

فسار مضاعف بر او یک

به داشتن ذخیره ارزی، بخصوص دلار و طلا بودند. همچنین بر اساس تصمیمات کنفرانس برتون وودز، صندوق بین المللی پول، نیز شکل گرفت و هدف از ایجاد آن تعیین مقررات نظام پولی بین المللی، نظارت بر اجرای این قوانین از سوی کشورهای عضو، کنترل حجم نقدینگی بین المللی و غیره اعلام گردید. در واقع با ایجاد صندوق بین المللی پول، دول قدرتمند غرب موفق گردید که این سازمان در جهت ایجاد یک نظام ترخیصی ثابت ارزی اقدام کند.

طبق ماده چهارم موافقتنامه برتون وودز، برابری ارزش پول در کشور بر حسب طلا بر عنوان پایه مشترک با هر حسب دلار آمریکا به وزن و عیار معمول اول ژوئیه ۱۹۴۴ تعیین شده بود. مطابق همین موافقتنامه دلار آمریکائی بر عنوان ارزانه دلار، معادل آن یعنی یک اونس طلاي خاص در برابر ۳۵ دلار، طلا تحویل دهد. (۵)

به هر حال با توافق اقتصادی برتون وودز و تسلط دلار بر بازارهای پولی جهان امپراطوری دلار شکل گرفت و طی دو دهه ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ برابری ارزش پولی جهان امپراطوری دلار بر اساس سیستم ثابت ارزش تقریباً نوساناتی در نرخ برای ارزهای بین المللی مشاهده نگشت. از دهه ۱۹۶۰ میلادی نقش دلار در معاملات بین المللی افزایش چشمگیری یافت و حتی در کشورهای بلوک شرق نیز قیمت کالاها به دلار تعیین گردید.

دهه هفتاد و بروز نوسانات در نرخ برابری ارزها

سیستم پولی برتون وودز و حاکمیت به امتناع از دلار تا زمانی که توافق، اعلام یافت که اقتصاد آمریکا و دلارهای منتشره شده در آن تحول منفی و ناسامی را شاهد نباشد. اما چنین نشد. سیستم پولی بین المللی طی دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی تقریباً با استیفاء یا سیاستهای اقتصادی آمریکا از وضعیت خوبی برخوردار بود اما مشکلات اقتصادی در آمریکا آغاز گشت و تا اوائل دهه ۷۰ به اوج خود رسید. اتخاذ سیاستهای میلبارد پستی، درگیری در دو جنگ کره و ویتنام، هزینه های ناشی از جنگ سرد و معضلاتی از این قبیل مناجار بسیاری از بر اقتصاد آمریکا تحمیل نمود. آمریکا برای تأمین این مناجار به انتشار دلارهای بیپشتوانه اقدام نمود و این دلارها به حصار دلارهای سرگردان در اروپا، نهایتاً مشکلات چند اقتصادی برای آمریکا پدید آورد. دلارهای سرگردان بدون پشتوانه باعث افزایش کسری تراز پرداختهای

از معاملات نفتی جهان به دلار آمریکا گشت گذاری شده و به دلار پرداخت می گردد. اهمیت دوره اخیر کاهش ارزش دلار که هنوز نیز علیرغم تصمیمات اجلاس اخیر گروه ۷۰، ممکن است ادامه یابد، در رابطه با نفت، قیمت واقعی (۳ و ۴) و قدرت خرید کشورهای صادر کننده نفت زمانی بیشتر می شود، که توجه داشته باشیم اوج کاهش اخیر ارزش دلار در سال ۱۹۸۶ میلادی علاوه بر پوسته نفتی است که در آن شاهد بحران عظیم عظیم جهانی نفت نیز بودیم. طی این دوره بهای نفت حتی به زیر ده دلار برای هر بشکه نیز رسید. به عبارت بهتر در سال ۱۹۸۶ هر بلیت اسس و هم قیمت واقعی نفت شاهد کاهش عظیم بود.

با آغاز سال ۱۹۸۷ میلادی نیز هر چه که قیمت اسس نفت تا حدودی افزایش یافت، ولی با ادامه کاهش ارزش برابری دلار واقعی نسبت همچنان کاهش ۳۰ درصدی در مجموع یافت. این معیار ضمن تکلیف به چگونگی شکل گیری دلار امپراطوری دلار، به مشکلات نفتی در اواخر دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ میلادی منتهی به شرح مشکلات و علل نوسانات ارزش دلار و بهای نفت و گاز، نفتی آن به ارائه امپراطوری از زمینه میزان صادرات روکنک بواسطه انحصار قیمت نفتی دلار از سال ۳۳ میلادی تاکنون خواهیم پرداخت. در پایان نیز به واره حل ارائه شده در این زمینه تکلیف خواهیم نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه
چندی پیش با پایان گرفتن اجلاس وزرای دارایی و روسای بانکهای مرکزی ۷ کشور مهمی (آمریکا، انگلستان، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا و کانادا) موسوم به گروه ۷ (۱) در پاریس، ظهر آبه دوره اخیر روند نزولی ارزش برابری دلار نسبت به سایر ارزهای قوی جهان پایان داده شد. این دوره کاهش ارزش دلار از اجلاس گروه ۷۰ در سپتامبر سال ۱۹۸۵ که منجر به عقد قرارداد معروف به «حاجاری مسیحی (۱۹۸۷)» ادامه یافت. ارزش دلار طی این مدت بطور متوسط در برابر سایر ارزهای اروپائی و ژاپن، بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. کاهش اخیر ارزش دلار، تأثیرات بسیاری بر اقتصاد جهانی گذارده و باعث اختلافاتی بین میان کشورهای صنعتی غرب گردید. این درودار کاهش ارزش برابری دلار، در میان فراز و نشیبهای دوره ای چند دهه اخیر از آن بزرگترین و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با اینکه نوسانات در ارزش دلار، بر تولید در تمامی جنبه های اقتصادی جهانی تأثیرات گوناگون می گذارد، اما تأثیر آن بر بهای نفت و برآمد کشورهای صادر کننده این ماده تمام شدنی بیش از سایر موارد است. دلیل آن نیز روشن است. سوخت حدود ۵۰ درصد از کل صادرات کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی را تشکیل می دهد. (۲) و (۳) تا ۸۰ درصد

دلار آمریکا تنها پول بین المللی شناخته شده و مثل طلا و نقره استرایک در زمانهای گذشته، نفوذش نامرتفعه پولی بین المللی گشته (۴) است. از این جایگاه جهانی دوم ضرورت ورود یک سیستم پولی بین المللی احساس گردید و آمریکا در این بین ترانسیت در سیستم تکلیف پولی به حاکمیت دلار رسمیت بخشید. بطور تنظیم سیستم جدید پولی بین المللی در سال ۱۹۴۴ میلادی، کنفرانس برتون وودز در آمریکا با مشارکت نمایندگان ۴۴ کشور جهان تشکیل شد. در این کنفرانس دو پیشنهاد اساسی از جانب انگلیس و آمریکا مطرح شد که در نهایت طرح آمریکا به کرسی نشست. کنفرانس برتون وودز، تصمیم گرفت که دلار بعنوان پول بین المللی تعیین گردد. بر اساس آن تصمیم پول دلار برابر ۱/۳۵ اونس طلا شناخته شد و ارزش پول سایر کشورها نسبت به دلار تعیین و تثبیت گردید. فریمسینچیه پولی طلا دارای تنس ۰۰۰۰۰۰ بود. بر اساس کشف نامه منظور حفظ ارزش برابری پول خود با دلار تا اکتوبر

شکل رسمی امپراطوری دلار
دوری از صحنه های نبرد جنگ جهانی دوم و تحمل خسارات بسیار کمتری نسبت به دول اروپائی دیگر در جنگ، شرایط ویژه اقتصادی و برای قدرت نوظهوری چون آمریکا پدید آورد. رشدان طرفیت تریله به حاکمیت برای نامین نیازهای جنگ قوی اروپائی و کسب سودهای کلان و دست اندازنده بسیار در اروپای صنعتی شد پس از جنگ، آمریکا را در رأس دور قدرتند غلب قرار داد البته البته اروپا خود نیز سرزمین بزرگ، حاصلخیز، با ذخائر طبیعی بسیار بود و از ویژگیهای منحصر بفرق برخوردار بود. آمریکا با برخوردار از چنین امکاناتی، حال در تلاش بود تا راجعا را برای ایجاد سیطره و نفوذ این گروه در درجهان باز نماید. پس از جنگ جهانی دوم اکثر کشورهای بزرگ اروپائی مفروض بودند و ذخائر طلاي آنها نیز نگرانی کشته بود اما آمریکا به شکل فزاینده ای اسلحه بود تا دلار آمریکا به عنوان تنها پول قوی و مورد اعتماد مورد پذیرش همگنی قرار گرفت.

آمریکا و خروج بی رویه طلا از آن کشور شد با پیروید آمدن چین وضعی دلار تحت فشار قرار گرفت. و تقاضا برای طلا افزایش یافت (۱) و بدین جهت، سیل دلارهای سرگردان برای تبدیل به طلا به سوی آمریکا سرازیر گردید. لیکن ذخایر طلای آمریکا فقط تکافوی چوالگویی به ۲۰ درصد از دلارهای در دست مردم را می کرد. به جهت این فشارهای خرد کننده که بر دلار وارد آمد، آمریکا به ناچار در ماه اوت ۱۹۷۱ رسماً قابلیت تبدیل دلار به طلا را لغو نمود. و بدین شکل سیستم پولی برتون و ویز متلاشی گردید. در سال ۱۹۷۱ پس از اجلاس وزرای دارایی ۱۰ کشور صنعتی بزرگ در واشنگتن برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، ارزش دلار حدود ۸ درصد کاهش یافت. تلاش برای حفظ دلار و جلوگیری از کاهش ارزش آن از جانب آمریکا و دول اروپائی و ژاپن طی سال ۱۹۷۲ میلادی موثر واقع نشد و در سال ۱۹۷۳ دلار مجدداً ۱۱ درصد کاهش یافت. با بدید آمدن چین شرایط پس از سال ۱۹۷۳ میلادی سیستم ثابت ارزها بطور رسمی جای خود را به سیستم شناور ارزها داد و رشد مشکلات کنونی جهان بنیان نهاده شد. سیستم نرخهای شناور در اوایل سالهای ۱۹۷۰ و

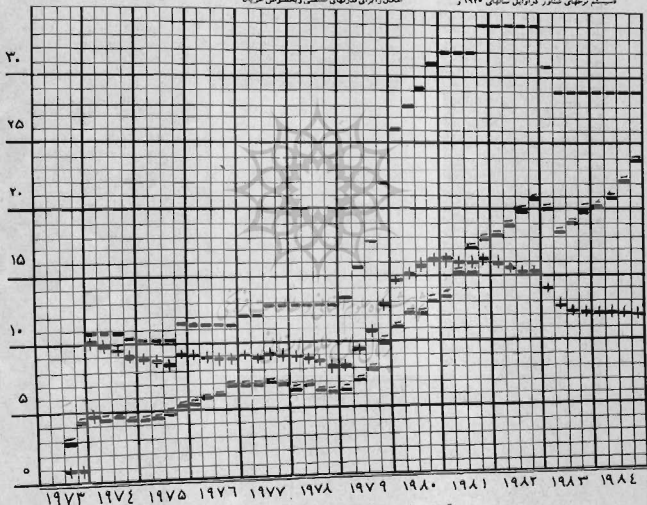
سیس در سالهای ۱۹۷۰ مورد استفاده بسیاری از کشورها قرار گرفت و از این زمان بود که ارزهای شناور نامی از خود باقی گذاشتند. حال آن بروز نوسانات شدید نرخ ارزها بود که دلالت آن بر آنرا نشانه می نمود و برای وارد کنندگان نامس اجزاء می کرده (۲) هنگامیکه نرخ ارزها بین کشورها شناور گردد نرخ ارز پولی در برابر فشارهای عرضه و تقاضا هزاران ارز عکس العمل نشان می دهد و دائماً نوسان خواهد داشت. برای سیستم شناور ارزها، مزایای نیز بر شمرده اند که عبارت است از: اولاً: چون فراین سیستم نیروهای بازار نرخ ارز را تعیین می کنند، دیگر نظری از باب انتخاب و دفاع از یک نرخ ارز غلط وجود ندارد. بنابراین نرخ ارزهای شناور، کار تعدیل درتاز پرداخت بین کشورها را سریع تر انجام می دهد و ب- چون نرخ شناور ارزها نیاز چندانی به تخصیص منابع حقیقی ندارد، لذا تجارت از امکان رشد بیشتری برخوردار می شود.

هرچه که سیستم نرخ شناور که از سال ۱۹۷۳ بکار گرفته شد هیچکدام از مزایای فوق را برای اقتصاد جهانی به بار نیاورد اما این سیستم، این امکان را برای قدرتهای صنعتی، و بخصوص آمریکا

بدید آورد که در شرایط حساس با ایجاد نوسانات مصنوعی در ارزش برابری ارزها و بویژه دلار، ضمن بهبود وضع اقتصادی خود اهداف مالی - پولی استعماری خود را در مقابل کشورهای جهان سوم به اجرا درآورند.

به هرحال نوسان در ارزش برابری دلار از سال ۱۹۷۳ بطور رسمی آغاز گشت. اما در سال ۷۳، تا حدودی افزایش یافت. به این علت که اولین شوک نفتی بوقوع پیوست، و چون آمریکا در ظاهر به جهت نیاز کثیر به نفت وارداتی کمتر از اروپا آسیب دید ارزش دلار افزایش یافت. طی سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ دلار تا حدودی افزایش یافت، اما مجدداً در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به لحاظ سائل خاور میانه سقوط کرد.

در پی وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پس از آن افزایش شدید بهای نفت، ارزش دلار بار دیگر کاهش یافت. بطور کلی در طول دهه هفتاد بدون در نظر گرفتن نوسانات کوتاه مدت، دلار آمریکا نسبت به تمامی اسعار اروپائی و همچنین چین ژاپن کاهش ارزش داشت. از سال ۱۹۸۰ با روی کار آمدن ریگان تا اوائل سال ۱۹۸۵ نرخ دلار نسبت



قیمت نفت سبک عرب (متوسط های فصلی)

- دلار آمریکا (به قیمت جاری)

+ دلار آمریکا (به قیمت ثابت ۱۹۷۳)

= پوند استرلینگ (به قیمت جاری)

تکندگرفت نیز بیش از سایر کشورهای جهان
 سوم ضرر می بیند
 دلار در لغت



درحال حاضر هرگونه نوسان در ارزش برابری دلار، تأثیر مستقیم بر میزان درآمد دلار قدرت خرید و بطور کلی اوضاع اقتصادی کشوری در حال رشد می گذارد زیرا اکثر کشورهای در حال رشد صادر کننده مواد اولیه می باشند و بهای این مواد نیز به دلار تعیین می شود.

درگزارش که سال گذشته از سوی یکی از مؤسسات تحقیقاتی وابسته به جنبش عدم تعهد انتشار یافت آمده است: «از آنجا که سهم عمده تجارت جهانی مواد اولیه به دلار انجام می گیرد، قیمت های مواد اولیه شدت تحت تأثیر نوسانات نرخ تبدیل دلار قرار گرفت. به علت تغییرات سریع نرخ های تبدیل ارز، هنگامی که به SDR محاسبه شوند قیمت های مواد اولیه غیرمتنی در پایان سال ۱۹۸۴، ۱۵ درصد از ارزش آن در پایان سال ۱۹۸۰ کمتر بود. درحالات سال ۱۹۸۵، قیمت های مواد اولیه ۱۲/۳ درصد درحسب دلار و ۱۱/۳ درصد درحسب SDR کاهش یافته (۹) اما همانگونه که متذکر به دلیل حجم عظیم معاملات نفتی و انجام بیش از ۸۰ درصد این عملیات با دلار طبیعی است که بیشترین خسارت از سقوط دلار متوجه کشورهای صادرکننده نفت بخصوص اعضای اوپک شود. تأثیر کاهش ارزش دلار بر اقتصاد کشورهای اوپک، در شکل کاهش قدرت خرید این کشورها منطقی می گردد. به این ترتیب که با کاهش ارزش دلار این کشورها مجبورند دلار بیشتری برای تأمین نیازهای خود بپردازند. کاهش ارزش دلار برای اعضای نفتکشانی که نفت خود را بیشتر به دلار می بفروشند، مثلاً درسال ۱۹۸۳ که قیمت نفت ۵ دلار کاهش یافت، این یعنی می شد که تقاضا برای نفت اوپک افزایش یابد اما چون به سواخت این کاهش ارزش دلار افزایش یافت، لذا احتمال افزایش تقاضا برای اوپک از جانب آمریکا خنثی گردید. نمودار شماره ۱ نشان می دهد که طی سالیان ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۴ که بهای سس نفت از ۱۲ دلار به حدود ۳۰ دلار برسی هر بشکه می رسد، قیمت واقعی آن باتوجه به میزان کاهش ارزش دلار کمی این ۱۰ سال، افزایش قابل توجهی را شاهدنی باشد. همین نمودار شماره ۲ نشان می دهد که در دهه شصت اخیر ارزش برابری دلار، قیمت واقعی نفت تا نوسانات است افزایش بهای نفتی بود شوک نفتی زمانی بیشتر مگر می شود که هنگامی سس قیمت نفت درسال ۱۹۸۶ را درکنار آن قرار دهیم. به افش برشی از کارشناسان آمریکا با ایجاد نوسان در ارزش برابری ارزها و بخصوص دلار ضررهای تکندگرفت است افزایش بهای نفتی بود شوک نفتی سالیان ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ را به نفع غرب سس سواخت کشورهای اوپک در نیمه اول سال ۱۹۷۷ و در طول سالیان ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ که شدت از شتاورد ساختن نرخ ارزها صدمه دیدند.

دلار نوسان است تأثیر مهمی بر کاهش کسری تجاری آمریکا به جای گذارد. نتایج اجلاس اخیر گروه ۷۷ نیز مؤید این ادعاست. زیرا برای اجلاس آمریکا از اروپا و ژاپن خواست تا با ایجاد رشد در اقتصاد خود، باعث توسعه اقتصادی جهانی و افزایش تقاضا شوند تا مشکلات اقتصادی آمریکا نیز تا حدودی تحلیف یابد. در حال حاضر کارشناسان معتقدند که مشکلات اقتصادی آمریکا با کاهش ارزش برابری دلار یکسره حل نمی شود. بلکه مشکل اساسی کسری بودجه و سیاست های نظامی دولت آمریکا می باشد.

سوی آنچه که بیان گردید بیستم نرخهای شناور ارزها که از سال ۷۳ آغاز شد، پدیده

دلار نوسان است تأثیر مهمی بر کاهش کسری تجاری آمریکا به جای گذارد. نتایج اجلاس اخیر گروه ۷۷ نیز مؤید این ادعاست. زیرا برای اجلاس آمریکا از اروپا و ژاپن خواست تا با ایجاد رشد در اقتصاد خود، باعث توسعه اقتصادی جهانی و افزایش تقاضا شوند تا مشکلات اقتصادی آمریکا نیز تا حدودی تحلیف یابد. در حال حاضر کارشناسان معتقدند که مشکلات اقتصادی آمریکا با کاهش ارزش برابری دلار یکسره حل نمی شود. بلکه مشکل اساسی کسری بودجه و سیاست های نظامی دولت آمریکا می باشد.

سوی آنچه که بیان گردید بیستم نرخهای شناور ارزها که از سال ۷۳ آغاز شد، پدیده

سواخت در حدود ۵۰ درصد

از کل صادرات کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی را تشکیل می دهد و ۸۰ درصد از معاملات نفتی جهان به دلار آمریکا قیمت گذاری و پرداخت می گردد.

تأثیر عمده افزایش قیمت دلار، خرید با یک دلار دلار را در کشورهای صنعتی بوجود آورد. شناور شدن نرخ ارزها خطر عدم ثبات چندی ارزها و رقابت در جهت کاهش ارزش پول را بدنبال آورد و برادر دیگر خاطره دهه ۱۹۲۰ را در ذهن زنده کرد. است. همسرش فریبکاری و سوءاستفاده های شدید در بازارهای بورس غرب نیز به این مساله دامن زده است.

به مرحال نوسان در ارزش برابری دلار به عرضگی که صورت می پذیرد، باعث حفظ اقتصادی غرب و یا به منظور حل کوتاه مدت مشکلات اقتصادی غرب و اهداف سیاسی) اثرات بسیار نامطلوبی بر اقتصاد جهانی می گذارد که در این میان کشورهای جهان سوم بیش از سایرین متحمل خسارات عظیم می شوند. و صادر

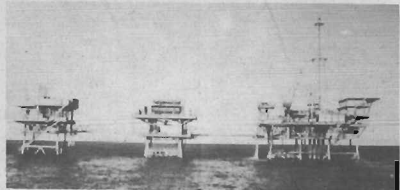
به سایر ارزها باقی این ارز تغییر نمود (۸) طی نسبت به سایر ارزها حدود ۲۲ درصد افزایش یافته است. از سپتامبر سال ۱۹۸۵ نیز زودتر کاهش ارزش دلار آغاز شد که تاکنون ادامه یافته و کاهش آن ارزش دلار تا ۴۰ درصد در برابر سایر ارزهای بین المللی منتهی شده است. حال باید دید که کشورهای صنعتی چگونه از نوسانات نرخ برابری ارزها به منظور حل یا تقلیل مشکلات اقتصادی خود استفاده می کنند. بطور کلی با شروع نوسانات نرخ برابری و نرخ ارزها از سال ۱۹۷۳ به هزارها سایر تحولات بسیاری در اقتصاد کشوری صنعتی نظیر افزایش هزینه های نظامی - افزایش مخارج دفاعی و امنیتی - کنترل تولیدات سواخت، ازوم سرمایه گذاری های انسانی برای بهره گیری از امکانات تکنولوژیک جدید و بالاخره افزایش قیمت نفت موجب شد که اکثر کشورهای جهان غرب، نیازهای مالی خود را از طریق کسری بودجه و تأمین این کسری از طریق کسب اعتبارات از بانکهای مرکزی خود و یا فروش اوراق قرضه در بازارهای داخلی و خارجی جبران نمایند. با نتیجه نرخ برابری ارزها برای اسامع جاز نوسانات کوتاه مدت گردید و نرخ تورم سالانه نیز افزایش یافت. دولت آمریکا مجبور بوده و هست برای تأمین کسری بودجه خود سواخت نرخ بهره را بالا نگهدارد تا مقادیر زیادی از دلارهای بازاریابی خارجی را جذب کند. بالا بودن نرخ بهره بطور طبیعی افزایش ارزش دلار را نیز پدید می آورد. دولت آمریکا بخصوص پس از روی کار آمدن ریگان غالباً مخالف کاهش نرخ بهره بوده است زیرا که مجبور است برای تقلیل نرخ بهره هزینه های عمومی و متوجه هزینه های نظامی را کاهش دهد که این خلاف تئوری سیاست حکومت ریگان می باشد. دولت ریگان تا سال ۱۹۸۲ انتظار داشت که با شروع یک دوره رشد و افزایش مالیات گیری این کسری را جبران نماید. اما چنین نشد و کسری بودجه آمریکا همچنان افزایش یافت. در راستای همین سیاست دولت ریگان طی ۵ سال (۱۹۸۵ تا ۱۹۸۱) نرخ بهره و به تبع آن ارزش برابری دلار را بالا نگه داشت. اما نرخ بهره، بی نهایت برای مدت زمان طولانی بالا ماند. دولت آمریکا سواخت نرخ بهره را برای شکایت کشورهای اروپایی نسبت به افزایش بهای دلار می گفت. این ارزش دلار نسبت به سایر کشورهای می باید بلکه این ارزش برابری اروپایی است که کاهش می یابد اما از اواخر سال ۱۹۸۵ روند نزولی ارزش دلار آغاز گشت. این امر به دلایل زیر بود: دیگر اول اینکه دیگر ادامه بازار نگاهداشتن نرخ بهره در آمریکا مستقیم نبود. زیرا این سیاست نوسان بود کسری بودجه را کاهش دهد. دوم اینکه کشورهای اروپایی و ژاپن به برابر افزایش شدید ارزش برابری دلار لب به شکایت کشوده بودند، و سوم افزایش ارزش دلار طی چهار سال موجب کسری تجاری شدید آمریکا را اروپا و ژاپن شده بود که بنوعی خود کسری بودجه را تشدید می کرد. البته اهداف سیاسی - اقتصادی بسیاری نیز در انجام چنین اقدامی در نظر گرفته شده بود. در این میان کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۸۶، بطنی آمریکا و اروپا و ژاپن را در انجام چنین اقدامی برای می کرد. بدین شکل روند نزولی ارزش برابری دلار به منظور کاهش نرخ کسری تجاری آمریکا شروع و تا اواخر سال ۱۹۸۷ میلادی به اوج خود رسید. البته کاهش بیش از حد دلار به نفع اروپا و ژاپن نبود و بالاخره نیز این کشورها آمریکا را مجبور به قبول کاهش ارزش دلار نمودند. عمده الوصف کاهش اخیر ارزش

درصد فرابرای مارک آلمانی ۳۶ درصد، فرابرای فرانک سوئیس ۴۳ درصد کاهش یافته بود اما در طول تنها یک سال (اکتبر ۷۷ تا اکتبر ۷۸) کاهش ارزش دلار در برابر ارزهای یادشده بالا به ترتیب ۴۲ درصد، ۲۸ درصد و ۵۴ درصد بود با توجه به کاهش ارزش دلار که پول نفت به آن پرداخت می شد طی یکسال دوره بررسی اروپیک چیزی نزدیک به ۲۰ درصد از قدرت خرید نفت خود را تنها به علت تأثیر شتابور ساختن ارزها از دست داده است. کاهش نرخ ارزش دلار در برابر یورو با ارزهای عمده دیگر در سال ۱۹۷۸ برای کشورهای عضو اروپیک بدین معنی است که کشورهای صنعتی غرب فیستی را که برای نفت می پردازند بالاتر از قیمت نفت که قبل از انقلاب قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ می بوده است - سیس - (۱۰)

گفتشده از تأثیر بسیار منفی کاهش ارزش دلار بر قدرت خرید کشورهای عضو اروپیک، تورم بهای کالاها و صادراتی غرب به این کشورها نیز بنوبه خود از سال ۱۹۷۳ تا به حال اثرات افزایش قیمت نفت را خنثی ساخته است. براساس آمار پولتهای اروپیک (تعداد ۴)، قیمت واقعی در شبکه نفت سبک بریتانیا، در مقایسه با تورم ارزش کالاها و وارداتی کشورهای عضو اروپیک از کشورهای صنعتی، در طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ تغییر محسوسی نکرده است.

براساس همین آمارها، اگر قیمت نفت را در مقایسه با تورم شاخص ساموایی کشورهای عضو اروپیک، می دهیم به اروپیک در طول ده سال فوق در نظر بگیریم، بازم میزان افزایش بهای نفت قابل توجه نیست. این درحالی است که قیمت اسمی نفت طی این سالها از کمتر از ۵ دلار به سره ۳۰ دلار برای هر بشکه رسیده است.

در ارتباط با تأثیر تورم غرب بر میزان قدرت خرید کشورهای عضو اروپیک و راهاندازی آن می توان به استفاده از آنها به تبدیل این تأثیر گذاری پرداخته. فرمولهای مشخصی مطرح می باشد که در موضوع بحث ما خارج است. (۱۱) اما در زمینه کاهش تأثیر گذاری نوسانات



مسائل کوچکتر بران شدند که ارزش پول ملی خود را به یک ارزش متوسط و یا سبکی مشکل از ارزهای متمایز خارجی مرتبط نمایند. در سال ۱۹۸۵، ۲۴ کشور عضو صندوق بین المللی پول از این مساله استفاده کرده اند و با در نظر گرفتن کلیه کشورهای حائقل بطور ادواری در دهه ۱۹۸۵، ترتیبات حاصل خود را به یک مجموعه ارزی متوسط نموده اند، می توان گفت که شمار آنان از ۶۴ کشور نیز تجاوز نموده است. (۱۲)

به هر صورت روشن می گردد که تا زمانی که سیستم فعلی نرخ ارزهای جهانی ادامه دارد یک سید ارزی مرتبط بعنوان یک برده مدیه و محاسن برای کشورهای با اقتصاد کوچکتر لازم خواهد بود. این سید ارزی می تواند SDR یا واحد پولی اروپا (European Currency Unit)

در بر سه سید ارزی دیگر باشد. اما در ارتباط با بهای نفت و سازمان آن، یک انتخاب یک سید ارزی در شرایط کنونی بسیار مناسب و حائز اهمیت است. اروپیک در این زمینه تجربه نیز دارد. در اثر ثابت ماندن قیمت نفت طی دهه ۱۹۶۰ میلادی و افزایش نرخ تورم از اوایل دهه ۷۰ در کشورهای صنعتی، رابطه میانها اعضاء اروپیک با کشورهای صنعتی همه ساله قوی تر پیش از سال قبل به زبان کشورهای صادر کننده نفت تمام می شد و در ۴/۵ درصد که در فروردین افزایش سالانه بهای اعلان شده نفت خام در رابطه با تورم در قرارداد تهران در سال ۱۹۷۱ در نظر گرفته شده بود. جریان صادرات کشورهای عضو اروپیک را نمی نمود. (۱۳) با شروع تحولات اقتصادی همه فشار و نوسانات شدید دلار در اوایل اقداماتی به انجام رسانده در همین چارچوب پس از مذاکرات با شرکتهای نفتی، موافقتنامه در سال ۱۹۷۲ بین طرفین به امضاء رسید که براساس آن برای جریان زیادهای ناشی از کاهش ارزش برابری دلار در برابر سایر ارزها، حدود ۸/۵ درصد بهای اعلان شده نفت خام اضافه شد. براساس همین قرارداد ملزم گردید در آینده نیز نوسانات شاخص برابری ۹ کشور صنعتی فرانسه، انگلستان، آلمان، ایتالیا، ژاپن، سوئیس، هلند، سوئد و سوئیس با دلار سه ماه تعیین و در قیمت اعلان شده نفت خام متناسب گردد. در سال ۱۹۷۳ با کاهش دوباره ارزش دلار، فرمول مورد توافق اروپیک با شرکتهای زبان کشورهای تولید کننده نفت را بعد از آن می کرد.

در قرارداد سال ۱۹۷۲ تجدید نظر شد و طبق موافقتنامه ای که تحت عنوان قرارداد دوم زمو شناخته می شود قیمتهای اعلان شده نفت خام مجدداً ۱۱/۹ درصد افزایش یافت و همچنین ملزم گردید که نوسانات شاخص برابری دلار با پولهای

*** درسال ۱۹۸۶، هم قیمت اسمی وهم قیمت واقعی نفت، شاهد کاهش عظیم بود.**

*** با آغاز سال ۱۹۸۷، میلادی، هرچند که قیمت اسمی نفت تا حدودی افزایش یافت، ولی با ادامه کاهش ارزش دلار، قیمت واقعی نفت همچنان کاهش یافت**

Evolution of Geneva 1 + US Import Weight



و تعدیل قدرت خرید خود ارزش پول کشور و یا سیستم قیمت گذاری سازمان را به یک سید ارزی مشکل از نوسانات عمده بین المللی مرتبط کنیم. تا در برابر نوسانات، قدرت تأثیر بیشتری در اختیار داشته باشیم این سیستم است که در سطح کشورهای نیز به آن عمل نموده اند. متعاقباً شناور شدن ارزهای عمده جهانی در سال ۱۹۷۳، برخی از

ارزش دلار بر قدرت خرید کشورهای عضو اروپیک چه اقدامی می توان کرد؟

راه چل

متعلق است که در برابر بازار آشفته شناور ارزها و نوسانات شدید در ارزش برابری آنها، بتواند یک کشور با یک سازمان، به منظور تأمین

۱۱ کشور (کانادا و استرالیا نیز اضافه شدند) مقایسه کرده و تفسیرات در قسمت اعلا شده مقاله مذکور است (۱۴)

البته به دلالت گزارشگران اوپک هیچگاه طرح سید ارزی زنون ۲ و ۳ را بطور جدی دنبال نکرد. اما این طرح هنوز در اوپک مطرح است و مانعانه مبرخه بین این سازمان نسبت های نفت را به دلار بر اساس سید ارزی «زنون» ۱۰ محاسبه می نماید ارائه و بیان این طرح دلیل بر این نیست که طرح فوقی بهترین طرح ممکن می نماند باشد، اما اوپک می تواند با تفسیراتی در این طرح بهتری از آن استفاده کند. اوپک می تواند بطور کلی دلار را کنار گذارد و با وارد کردن دلار به سید ارزی زنون، واحد پولی جدید برای خود تعیین کند.

در عین حال باید توجه داشت که کنار گذاشتن دلار کار آسانی نیست البته اثرات چنین اقدامی را باید از دیدگاه های مختلف مورد مطالعه قرار داد زیرا که در یکی از بخشهای بسیار حیاتی تجارت جهانی، انتقال هرگونه تصمیمی در مورد نایبند گرفتن دلار به سهولت امکان پذیر نمی باشد. در حال حاضر، برخی معضلتند که نتایج قیمت گذاری نفت خام بر اساس دلار در تقاضای جهانی برای نفت و بطور کلی در بازار نفت اثرات منفی بر جای می گذارد، اهمیت رو به تزاید بازار اروپایی فرس و ژاپن نسبت به آمریکا در رابطه با واردات نفت منجر به جدایی بین لیستهای نفت با سایر نیروهای بازار شده است. زیرا که قیمت های نفت دیگر رکن اساسی در تقاضای جهانی برای نفت محسوب نمی گردند (۱۵)

طریق مواد موفقتنامه «برتون وودز» دلار آمریکایی به عنوان وسیله پرداخت های بین المللی بکار برده شد و آمریکا تعهد کرد که بهای دلار را ثابت نگه دارد.

دولت آمریکا مجبور است برای تامین کسری بودجه خود همواره نرخ بهره را بالا نگه دارد تا مقادیر زیادی از دلار های بازارهای خارجی را جذب کند.

به هر حال در شرایط کنونی طرح سید ارزی نه تنها برای اوپک بلکه در ارتباط با سایر کشورهای در حال توسعه نیز که به نوعی با دلار سر و کار دارند، می تواند مفید واقع شود. در عین حال باید توجه داشت قطع رابطه با دلار در حال حاضر و حتی در شرایطی که دلار در موقعیت مستحکمتری قرار گیرد، بیش از آنکه از دیدگاه دروسها و معضله های اقتصادی آن مطرح شود، باید از لحاظ پارسیسی بسیار بالایی که به همراه واردات مورد توجه

باشد لذا، علاوه بر عوامل اقتصادی، قطع رابطه با دلار نیاز به یک جهش سیاسی فوری دارد که مسلماً با توجه به تقسیم بندی سیاسی کنونی جهان، کاری بسیار دشوار است. کشورهای وابسته نمی توانند خود را راضی به انجام چنین اقدامی کنند. اوپک نیز به لحاظ باقی نامتجانس آن در انتخاب یک سید ارزی و کنار گذاشتن دلار با مشکل مواجه می باشد چندی پیش فهد پادشاه عربستان در محاضره با مجله لیبتی «المواشعه» گفت: افزایش و کاهش قیمت نفت پاسخی با قدرت خرید ارزهای لازم جهت خرید سایر نیازمندیها متناسب باقی است از آنجائیکه دلار یکی از عمده ترین ارزهای جهان است، و هر شکلی که باشد در این معامله معیار محسوب می شود.



به هر حال در شرایط کنونی انحصاری اوپک از جهت توان مالی و قدرت خرید با توجه به نرخ تورم کالاهای صادراتی غرب و کاهش اخیر قیمت نفت که همراه انترال شدید ارزش دلار در ساختن ترین وضعیت در طول حیات این سازمان قرار دارند، لازم است هر چه زودتر اقداماتی صورت پذیرد.

یادداشت

۱- گروه ۷، تشکیل است از دزوری داران و روسای بانکهای مرکزی هفت کشور عمده صنعتی جهان (آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن، آلمان غربی، ایتالیا و کانادا) که داخل صندوق بین المللی پول، که بطور مجزا سالانه تشکیل جلسه می دهد. این گروه تا قبل از تشکیلات اجلاس سران هفت کشور صنعتی در ماه مه ۱۹۸۶ در توکیو و انتشار بیانیه اقتصادی پایانی آن، به گروه ۷ شامل کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان غربی، فرانسه و ژاپن معروف بود، اما در این اجلاس تصمیم گرفته شد که ایتالیا و کانادا نیز بدان پیوستند البته در صندوق بین المللی پول در برابر تشکیل کشورهای صنعتی، کشورهای در حال رشد نیز در قالب گروه ۲۲ سعی در انتقال تأثیر مشترکی در مقابل تصمیمات گروه ۷ دارند البته اعضای گروه ۲۲ بیشتر از ۲۲ کشور می باشد، ولی چون در ابتدا ۲۲ کشور اقدام به تشکیل آن نمودند، همچنان با این نام معروف است.

۲-

۳- در اینجا منظور از قیمت واقعی نفت،

اگرچه بهای اسمی نفت طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ از ۱۲ به حدود ۳۰ دلار می رسد، قیمت واقعی آن با توجه به کاهش ارزش دلار، افزایش قابل توجهی نیافته است.

انتخاب یک «سیدارزی» در ارتباط با بهای نفت در شرایط کنونی اقدامی بسیار مفید و حائز اهمیت است.

حاصل تفریق میزان تورم سالانه و درصد نوسانات نرخهای برابری ارزها از قیمت اسمی نفت می باشد. ۴- پول، سیاستهای پولی، نوشته دکتر باقر فدیری اصل - ص ۸۹
۵- همان منبع - ص ۱۰۴
۶- عموماً هرگاه که اعتبار ارزها (پولهای) بین المللی و عمدتاً دلار خدشه دار می شود تقاضای برای طلا در جهان افزایش می یابد بدین جهت است که هرگاه، ارزش دلار کاهش یابد بهای طلا در بازارهای جهانی افزایش می یابد.
۷- انگلستان و نظام پولی جهان، نوشته برنلی فدیری ترجمه دکتر اکبر کرمانیان.
۸- Opec bulletin , Feb. 1988

The World Economy in the Mid - 80s, Research and Information System for the Non - aligned and other Developing Counties, P.

۱۰- گزارش عدنان الجنانی، رئیس سابق اداره اقتصادی و مالی اوپک در سال ۱۹۸۰ و گزارش دکتر اوجو تحلیل گر پولی و مالی اوپک در رابطه با تأثیر شتاب ساختن ارزها برتر از پرداختن کشورهای اوپک به سود غرب، نقل شده در هفت و چهارم آذرماه ۱۳۶۰، دکتر رضا رئیس موسی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱، ۲۰۰
۱۱- برای کسب اطلاع بیشتر در این زمینه و راههای پیشنهادی از جانب جمهوری اسلامی ایران و جناح عربستان سعودی برای تعدیل قیمت نفت با میزان تورم کالاهای صادراتی غرب، می توان به مطلب مؤسسه در بهای مواد اولیه و تأثیر توسعه در جهان سوم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره اول - بهرام ساندی

12- Finance and Development, Sep, 1988
نقل شده در نشریه اخبار و مباحث اقتصادی هفته، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳- اوپک و استکناج جهانی، وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران - ص ۲۱
۱۴- همان منبع - ص ۲۲
۱۵- کیهان ۱۱/۹/۶۶، معاهده آ اوپک نوامبر ۱۹۸۵